

پرده نقره‌ای

جزئیات اکران آنلاین «خروج»



تهیه کننده «خروج» به منظور حفظ کپی رایست، جلوگیری از انتشار غیرقانونی و حمایت

از مولف و صاحب اثر، مدت زمان نمایش فیلم برای کاربران رایس از خرید از ۲۴ ساعت به ۶ ساعت تغییر داد. تماشای «خروج» از ساعت ۲۰ روز یکشنبه ۲۴ فروردین از سرویس وی او دی فیلمو ممکن شده است. «خروج» بیستمین اثر ابراهیم حاتمی کیا است که در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد که در این اثر فرامرز قریبانی، پانته‌آ پناهی‌ها، کامبیز دیرباز، سام قریبانی، محمدرضا شریفی‌نیا، گیتی قاسمی و جهانگیر الماسی به‌عنوان بازیگران اصلی این ایفای نقش پرداختند. در خلاصه داستان آمده است: «این فیلم زندگی گروهی پنبه کار شهرستانی را روایت می‌کند که محصول شان بر اثر بارش شدید باران آب خورده و وعده‌هایی که به آنها داده شده، پوچ در آمده است. این گروه تصمیم می‌گیرد برای اعتراض به وضعیت‌شان نزد هیات دولت در نهاد ریاست جمهوری بروند» کاربران با پرداخت مبلغ ۱۲ هزار تومان می‌توانند برای تماشای خرید به‌نشانی اینترنتی فیلمومراجمه کنند.

در گفت‌وگو با ایلنا مطرح شد:

اکران چهار فیلم جدید در اینترنت



یک تهیه کننده سینما با اشاره به اینکه قصد دارد چند فیلمش را در اینترنت اکران کند، گفت: احتمالا تا

یک سال آینده سینماها به فعالیت عادی خود باز نمی‌گردند و به همین دلیل باید هر رهاکاری برای بقای سینما بهره‌برد. محمدرضا مصباح در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، با اشاره به هدفش از این تصمیم، افزود: پیش‌بینی می‌کنیم که تا یک سال آینده هیچ اتفاق خاصی در سینما نیفتد. همین مسئله باعث می‌شود فیلم‌هایی که تولید شده‌اند، ارزش نمایش خود را از دست بدهند و بی‌فایده بمانند. امروز که مردم در خانه هستند، می‌توان شرایطی را فراهم کرد تا فیلم‌ها بهتر دیده شوند. به همین دلیل تصمیم گرفتم فیلم‌های دابلند را که تاکنون اکران نشده، در شبکه نمایش خانگی عرضه کنم و به صورت آنلاین به نمایش در بیاورم تا سهم کوچکی در سرگرمی مردم داشته باشم. تهیه‌کننده فیلم پست در پاسخ به این پرسش که این فیلم نیز به صورت آنلاین به نمایش در می‌آید یا خیر، گفت: درباره پست هنوز تصمیم نگرفته‌ام زیرا این فیلم را به جشنواره فیلم کن ارائه کرده‌ام و باید اول تکلیف بر گزارش آن جشنواره را مشخص شود تا بعد برای نمایش آن تصمیم بگیریم. مصباح ادامه داد: اگر این روش موفقیت‌آمیز باشد، می‌توان امیدوار بود که با تبلیغات درست، اکران اینترنتی بتواند به یک روش مطمئن برای بازگشت سرمایه تبدیل شود و به شکلی باشد که مردم زمانی که در خانه فیلم‌ها را نگاه می‌کنند، تصور کنند که در سینما نشسته‌اند.

اولین اسند آپ تام هنکس از منزل



تام هنکس که به دلیل ابتلا به کرونا در منزل قرنطینه است، اولین برنامه خود را به صورت زنده اجرا کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، تام هنکس در برنامه زنده شب شنبه که از شبکه nbc پخش شد، از منزل خود یک اسند آپ کمدی را اجرا کرد. این بازیگر در مونولوگ افتتاحیه خود که در خانه‌اش فیلمبرداری شده است، گفت: این یک زمان عجیب است که سعی می‌کنم بامزه باشم زیرا او همراه با همسرش ریتا ویلسون مانند بسیاری از مردم به کرونا مبتلا شده‌اند و از زمان شیوع کرونا همه روزها تبدیل به شنبه (تعطیلات) شده‌اند. تام هنکس برنامه خود را در قالب پرسش اجرا و پاسخ خود را در قالب شخصیت‌های مختلف بیان می‌کرد. هنکس در پایان مونولوگ خود گفت: «ایمن بمانید»، با تشکر از کارمندان مراقبت‌های بهداشتی، ماماها، کارگران مواد غذایی و افرادی که در خط مقدم پاسخ COVID-19 قرار گرفته‌اند.

نام «محمد امامی» بیشتر از هر چیز با «شهرزاد» گره خورده. مجموعه موفقی که امامی تهیه‌کننده‌اش بود، اما خبرهای جسته و گریخته آمد که «پول مشکوک» به شهرزاد نفوذ و تاسف برانگیز صندوق ذخیره فرهنگیان هم در جریان بود

چنین کاری را از جانب ما نتجم دهید. حالا احترام می‌گذارند و صوت‌ها را پخش نمی‌کنند» نوروژیگی همچنین به یک شایعه دیگر هم پاسخ داده است: «در یکی از کانال‌ها دیدم که گفته بودند این اسامی، نفی پنج سکه گرفتند و این را امضا کردند. مگر اندازه‌ها پنج سکه است؟ ما را قرار است با چه بخرند؟ چرا اسامی‌نمایی‌ها اینگونه شده‌اند؟ چرا فکر نمی‌کنیم محمد امامی هم خانواده دارد و می‌تواند از فرصتی که جمهوری اسلامی برای همه در نظر گرفته، استفاده کند. بیایید کمک کنیم به اینکه مشکل ساز باشیم» جندی بعد این ماجرا فراموش می‌شود و شاید کمی اعتبار اسامی خدشدار شود، صورت مساله اما پاک نخواهد شد. این که چرا اصلا پای چنین پول‌های مهمی به هنر باز می‌شود، درد امروز و دیروز نیست و به قدمت هنر در این اقلیم، تاریخ دارد. شاید ذکر یک نکته در حاشیه این ماجرا کلید قفل باشد که هیچ وقت باز نشده و به این زودی‌ها هم باز نخواهد شد.

تاریک خانه اشباح پول‌های کثیف به گروه‌های سیاسی وصل است و ماجرا چندوجهی و پیچیده. در همین جنجال اخیر رسانه‌های اصولگرا با خوشحالی زایدالوصف به ماجرا پرداختند و تقریبا واضح است چرا! چون در زیر لایه ماجرا نوعی انتقام‌گیری جناحی مستتر است. از آن طرف رسانه‌های اصلاح‌طلب هم تقریبا به شکلی ناچیز ماجرا را پوشش دادند. یعنی در یک طرف بزرگنمایی و در طرف دیگر تقلیل‌گرایی نسبت به پوشش یک رویداد پر دامنه رخ داده است.

ماجرای تمام‌آما همین است. بعد از امامی هم نام‌هایی خواهد آمد که برایشان نامه می‌نویسند، چون اتکای هنر به میزان اغراق نوشته‌های غیر از هنر است. نوعی حیات استیجاری، هنر در اینجا به ذات نیست، به غیر است.

تاریک خانه اشباح پول‌های کثیف به هم‌نوع خدیمان کمک کنیم؟ مگر چه اتفاقی می‌افتد؟ طرف می‌خواهد مرفعی بیاید، چرا همکاران من در سینما تا این اندازه از یک درخواست انسانی رنجیده‌اند. احساس می‌کنم برخی از منتقدان این اتفاق با امضاکنندگان دعوا و خصومت شخصی دارند و این موقعیت را زمان مناسبی برای تسویه حساب می‌دانند. بررسی کنید و ببینید که آیا مادر کنار محمد امامی بوده‌ایم و فعالیت داشته‌ایم یا کسانی که امضا نکرده‌اند؟ ما در کنار وی بودیم یا کسانی که با او چند فیلم کار کرده، در خواست‌ها امضا کرده و الان امضاها ایشان را پس گرفتند. در صورتی که شنیده‌ام از همه کسانی که تکذیب کردند، صدا و جود دارد که

در میان نام‌ها، کیانوش عیاری حسرت‌برانگیز است، کارگردان باکیفیتی که البته نامش در این لیست هیچ ارتباطی هم با کیفیت کاری‌اش ندارد و نخواهد داشت، اما خوب این حواشی بی‌تأثیر هم نیست. عیاری اما در واکنش به این که «چرا امضا کردی؟» در یک پست اینستاگرامی نوشت: «تعدادی از همکاران مامدتی پیش طی نامه‌ای از این‌الله رئیس، ریاست محترم قوه قضاییه درخواست کردند با توجه به شیوع بیماری کرونا نسبت به آزادی موقت (به طور مثال تودیع وثیقه) سیدمحمد امامی موافقت کنند. این نامه که توسط تعدادی از دست‌اندرکاران سینما و تلویزیون امضا شده بود، به دست ما هم رسید. نامه‌ای که صرفا با نیت انسان دوستانه و با هدف فراهم شدن شرایط آزادی موقت یکی از تهیه‌کنندگان سینما و نمایش خانگی نوشته شده بود. ما نیز مثل بقیه امضاکنندگان نامه برای این که قدمی در راه کمک به یکی از هم‌صنفی‌هایمان

بعد از امامی هم نام‌هایی خواهد آمد که برایشان نامه می‌نویسند، چون اتکای هنر به میزان اغراق شده‌ای به چیزهایی غیر از هنر است. نوعی حیات استیجاری، هنر در اینجا به ذات نیست، به غیر است

بر داریم این نامه را امضا کردیم. بر همگان واضح و مبرهن است که نه ما در مقام قضاوت نشستیم، ایم و نه کسانی که بدون هیچ سند و مدرکی و تنها بر اساس شنیده‌هایشان اصرار بر گناهکار بودن وی دارند. بنابراین واقفیم تشخیص این امر تنها بر عهده قوه قضاییه است و بس.

امیدواریم با در نظر گرفتن شرایط بحرانی و ملت‌های روزها و ونیز به عنوان یک شهروند ایرانی مانند بسیاری دیگر از زندانیان بتوانند از آزادی موقت برخوردار شوند تا در آینده پس از مهار شیوع کرونا به پرورده‌اش رسیدگی شود و از آنجا که به شرایط ویژه این روزها آگاهیم امید که هر چه زودتر شاهد این اتفاق باشیم» خلی‌ها اما واکنش‌های قابل‌انتظار و نه چندان باورپذیر داشتند، مثل مه‌ران احمدی و روح‌الله حجازی. احمدی به مهدی خرم‌دل (خبرنگار فرهنگی) گفت: «نامه برای من را فرستادند و من گفتم اگر بحث‌گرونا است، این بحث‌های فرهنگی و این‌ها چیست؟ قرار شد متن نامه را تغییر دهند و بیایند ناظر بدهم. نیامورند و اسم من را سرخود ذیل نامه قرار دادند. اگر من امضایی کردم بیایند، تکذیب می‌کنم. من نامه‌ای برای محمد امامی امضا نکردم». روح‌الله حجازی نیز روایتی مشابه مه‌ران احمدی داشت. ظاهر برخی دیگر از سینماگران نیز منکر امضای این نامه شده‌اند.

تقریبا یک روز بعد از نوروژیگی پردای تازه از ماجرا برداشت: «شاید لزومی به قسم خوردن نباشد، ولی فقط خدایم داند که حرکت من و همه همکاران صرفا جنبه انسانی داشته و سرسوزنی هدف دیگری در کار نبوده است.»

نوروژیگی گفته است: «چرا نباید به هم‌نوع خدیمان کمک کنیم؟ مگر چه اتفاقی می‌افتد؟ طرف می‌خواهد مرفعی بیاید، چرا همکاران من در سینما تا این اندازه از یک درخواست انسانی رنجیده‌اند. احساس می‌کنم برخی از منتقدان این اتفاق با امضاکنندگان دعوا و خصومت شخصی دارند و این موقعیت را زمان مناسبی برای تسویه حساب می‌دانند. بررسی کنید و ببینید که آیا مادر کنار محمد امامی بوده‌ایم و فعالیت داشته‌ایم یا کسانی که امضا نکرده‌اند؟ ما در کنار وی بودیم یا کسانی که با او چند فیلم کار کرده، در خواست‌ها امضا کرده و الان امضاها ایشان را پس گرفتند. در صورتی که شنیده‌ام از همه کسانی که تکذیب کردند، صدا و جود دارد که

در این نامه محمد امامی «سرباز ایران» خوانده شده. ظاهر اقرار نپوده که این نامه رسانه‌ای شود. برخی هم ادعا کرده‌اند که متن این نامه از سوی خانواده متهم تهیه و تنظیم شده است. نامه را مصطفی فقیهی (سرمدبر سابق سایت انتخاب) و بهمن بابازاده (خبرنگار حوزه موسیقی) یکی در کانال تلگرامی‌اش و دیگری در توئیترش منتشر کردند و بعد هم تک‌تک اسامی بازخواست شدند. اول نام‌ها را مرور می‌کنیم و بعد سراغ واکنش‌ها خواهیم رفت.

کیانوش عیاری، جواد نوروژیگی (تهیه‌کننده)، نرگس آبیبار، مهدی سجاده‌چی، سید عبدالجواد موسوی، خسرو نقیعی، عبدالرضا منجزی، ستار اورکی، حسن نجاریان داربانی، مه‌ران احمدی، محسن تنابنده، احمد مهرانفر، علی سرتیپی، کورش دالوند، علی اسدزاده، تینا پاکروان، حسن مصطفوی (تهیه‌کننده)، امیر توسل، محمدعلی قاضی، سعید قلی‌زاده، محمدرضا گوهری، نسیم ادبی، وحید نیکخواه آزاد، پیمان قاسمخانی، محسن چگینی

هم‌زمان محمد امامی هم محکوم شد و البته هادی رضوی.

این اسامی و این ماجرا البته تنها ماجرای بحث‌برانگیز این شکلی نبود. بعدتر و بارونق سربال‌های نمایش خانگی فضای پول‌های کثیف و زمین بازی مشکوک‌ها گسترده شد. البته هر سال در سید اکران هم چند فیلم به اصطلاح حرف و حدیث‌دار وجود دارد و چون از نام‌ها حرف زدن تبعات دارد، شما همین مقدار رابپذیرید. در صورت این نام‌ها و نسبت‌سنمایی‌ها هم از منتقدان بازگرو کارگردان و دیگران با آن‌ها متر و معیاری شد برای حقانیت آدم‌های هنر. حالا کار گروهی این شده که نسبت‌ها را بسنجند و هر کس که آوده باشد و لکه‌ای در کارنامه داشته باشد، تا زیاده‌باز نباشد از جنس مجاز و کلمه. در همان ماجرای شهرزاد، ترانه علیدوستی مصرف شد و دیگر نتوانست آن کاراکتر به اصطلاح منتقد اجتماعی‌اش را حفظ کند. شهاب حسینی هم بعدتر یک چهره متناقض و نه چندان قابل اعتماد قضاوت شد.

حالا اما نوبت پیچ دوم امامی گیت است. این بار ماجرا یک نامه برمی‌گردد و برای تشخیص و تمیز قضاوت نیاز به تحقیق و تفحص و فتور ه‌چی و حسنی‌نسب نیست. اسامی این بازخواست‌ها نامه نوشته‌اند و اعلام موضع کردند. نامه‌ای که قسمت‌هایی از آن را اینجا گذاشتم تا با فضای ماجرا بیشتر آشنا شوید.

در نامه سینماگران، محمد امامی به عنوان تهیه‌کننده‌ای «تام‌آور، مایه

اگر قرار باشد با گوگل کردن به سرخ ماجرای «محمد امامی» برسیم، باید در کنار نامش، صندوق ذخیره فرهنگیان را هم سرچ کنیم. دقیق‌تر اگر بخواهید باید نام «هادی رضوی» را سرچ کنید، خیلی دقیق‌تر... دقیق‌تر از این اما به ما ربطی ندارد، یا حداقل به سینما ربطی ندارد.

«شهرزاد» گره خورد. مجموعه موفقی که هادی رضوی سرمایه‌گذارش بود و امامی تهیه‌کننده‌اش، شهرزاد هر دوشنبه توزیع می‌شد و کیفیت قابل‌ملاحظه‌ای هم داشت. اما قرار نیست در این اقلیم لذتی تام و تمام باشد. خبرهای جسته و گریخته آمد که «پول مشکوک» به شهرزاد نفوذ کرده و از آن جا بود که نادر فتور ه‌چی فعال چپ ضد سلبریتی در توئیتر و اینستاگرام به شدت دست به افشاگری‌های پیاپی زد. هم‌زمان برگزاری دادگاه‌های مالی رونق گرفته بود و البته مساله غامض و تاسف‌برانگیز صندوق ذخیره فرهنگیان هم در جریان بود.

فتور ه‌چی افشامی کرد، گروهی از منتقدین سینما مثل نیما حسنی‌نسب هم پیگیری ماجرا بودند. در قساز اولیه شبکه‌های اجتماعی به محلی برای بازخواست ترانه علیدوستی و شهاب حسینی و دیگری‌اش شد که ظاهر از پول مشکوک شهرزاد اطلاع داشتند و در سری دوم و سوم شهرزاد همکاری را ادامه داده بودند. تنش اوج گرفت و

پنج‌شنبه شب علی‌علیزاده، تحلیلگر سیاسی مقیم لندن، در حمله‌ای غافلگیرانه به زار شیدپور که در شبکه‌های اجتماعی بازتاب فراوانی داشت، در پاسخ به توئیتر شیدپور که از مردم خواسته بود به اندازه توانشان به سوپرمارکت مورد اعتماد، پرداخت کنند تا به نیازمندان تخفیف بدهد، نوشت: «رضا رشیدپور برای تهیه هر اپیزود «حالا خورشید» ۴۰ میلیون گرفت. نمی‌دستم‌زد شخصی‌اش بود. ماهی ۴۳۳ میلیون درآمد. دوشب‌یلدای ۹۸ هم ۵۰ میلیون. جناب رشیدپور چقدر از چندمیلیارد دستمزدی را که علی‌عسگری از جیب فقر به شما داد حاضرید به فقرایی که به خاطر کرونا در معرض گرسنگی و مرگ‌اند بر گردانید؟» زار شیدپور در پاسخ به این توئیتر نوشت: «جناب‌علیزاده گرمی‌بهرتر از من می‌دانید که اتهام‌فکنی و حمله به آبروی افراد، غیر شرعی و غیر اخلاقی و غیر انسانی است. پس حتما برای فرمایشتان درباره دستمزد من اسناد معتبر دارید. بنابراین به جای بحث بی‌فایده، منتظر می‌مانم که آن را منتشر

جنجال نامه سینماگران درباره «محمد امامی»

خشم و هیاهو برای یک مرخصی کرونایی



ایمان عبدلی

بعد از امامی هم نام‌هایی خواهد آمد که برایشان نامه می‌نویسند، چون اتکای هنر به میزان اغراق شده‌ای به چیزهایی غیر از هنر است. نوعی حیات استیجاری، هنر در اینجا به ذات نیست، به غیر است

در این نامه محمد امامی «سرباز ایران» خوانده شده. ظاهر اقرار نپوده که این نامه رسانه‌ای شود. برخی هم ادعا کرده‌اند که متن این نامه از سوی خانواده متهم تهیه و تنظیم شده است. نامه را مصطفی فقیهی (سرمدبر سابق سایت انتخاب) و بهمن بابازاده (خبرنگار حوزه موسیقی) یکی در کانال تلگرامی‌اش و دیگری در توئیترش منتشر کردند و بعد هم تک‌تک اسامی بازخواست شدند. اول نام‌ها را مرور می‌کنیم و بعد سراغ واکنش‌ها خواهیم رفت.

کیانوش عیاری، جواد نوروژیگی (تهیه‌کننده)، نرگس آبیبار، مهدی سجاده‌چی، سید عبدالجواد موسوی، خسرو نقیعی، عبدالرضا منجزی، ستار اورکی، حسن نجاریان داربانی، مه‌ران احمدی، محسن تنابنده، احمد مهرانفر، علی سرتیپی، کورش دالوند، علی اسدزاده، تینا پاکروان، حسن مصطفوی (تهیه‌کننده)، امیر توسل، محمدعلی قاضی، سعید قلی‌زاده، محمدرضا گوهری، نسیم ادبی، وحید نیکخواه آزاد، پیمان قاسمخانی، محسن چگینی

اگر قرار باشد با گوگل کردن به سرخ ماجرای «محمد امامی» برسیم، باید در کنار نامش، صندوق ذخیره فرهنگیان را هم سرچ کنیم. دقیق‌تر اگر بخواهید باید نام «هادی رضوی» را سرچ کنید، خیلی دقیق‌تر... دقیق‌تر از این اما به ما ربطی ندارد، یا حداقل به سینما ربطی ندارد.

«شهرزاد» گره خورد. مجموعه موفقی که هادی رضوی سرمایه‌گذارش بود و امامی تهیه‌کننده‌اش، شهرزاد هر دوشنبه توزیع می‌شد و کیفیت قابل‌ملاحظه‌ای هم داشت. اما قرار نیست در این اقلیم لذتی تام و تمام باشد. خبرهای جسته و گریخته آمد که «پول مشکوک» به شهرزاد نفوذ کرده و از آن جا بود که نادر فتور ه‌چی فعال چپ ضد سلبریتی در توئیتر و اینستاگرام به شدت دست به افشاگری‌های پیاپی زد. هم‌زمان برگزاری دادگاه‌های مالی رونق گرفته بود و البته مساله غامض و تاسف‌برانگیز صندوق ذخیره فرهنگیان هم در جریان بود.

فتور ه‌چی افشامی کرد، گروهی از منتقدین سینما مثل نیما حسنی‌نسب هم پیگیری ماجرا بودند. در قساز اولیه شبکه‌های اجتماعی به محلی برای بازخواست ترانه علیدوستی و شهاب حسینی و دیگری‌اش شد که ظاهر از پول مشکوک شهرزاد اطلاع داشتند و در سری دوم و سوم شهرزاد همکاری را ادامه داده بودند. تنش اوج گرفت و

پنج‌شنبه شب علی‌علیزاده، تحلیلگر سیاسی مقیم لندن، در حمله‌ای غافلگیرانه به زار شیدپور که در شبکه‌های اجتماعی بازتاب فراوانی داشت، در پاسخ به توئیتر شیدپور که از مردم خواسته بود به اندازه توانشان به سوپرمارکت مورد اعتماد، پرداخت کنند تا به نیازمندان تخفیف بدهد، نوشت: «رضا رشیدپور برای تهیه هر اپیزود «حالا خورشید» ۴۰ میلیون گرفت. نمی‌دستم‌زد شخصی‌اش بود. ماهی ۴۳۳ میلیون درآمد. دوشب‌یلدای ۹۸ هم ۵۰ میلیون. جناب رشیدپور چقدر از چندمیلیارد دستمزدی را که علی‌عسگری از جیب فقر به شما داد حاضرید به فقرایی که به خاطر کرونا در معرض گرسنگی و مرگ‌اند بر گردانید؟» زار شیدپور در پاسخ به این توئیتر نوشت: «جناب‌علیزاده گرمی‌بهرتر از من می‌دانید که اتهام‌فکنی و حمله به آبروی افراد، غیر شرعی و غیر اخلاقی و غیر انسانی است. پس حتما برای فرمایشتان درباره دستمزد من اسناد معتبر دارید. بنابراین به جای بحث بی‌فایده، منتظر می‌مانم که آن را منتشر

جنجال نامه سینماگران درباره «محمد امامی»

خشم و هیاهو برای یک مرخصی کرونایی



ایمان عبدلی

بعد از امامی هم نام‌هایی خواهد آمد که برایشان نامه می‌نویسند، چون اتکای هنر به میزان اغراق شده‌ای به چیزهایی غیر از هنر است. نوعی حیات استیجاری، هنر در اینجا به ذات نیست، به غیر است

در این نامه محمد امامی «سرباز ایران» خوانده شده. ظاهر اقرار نپوده که این نامه رسانه‌ای شود. برخی هم ادعا کرده‌اند که متن این نامه از سوی خانواده متهم تهیه و تنظیم شده است. نامه را مصطفی فقیهی (سرمدبر سابق سایت انتخاب) و بهمن بابازاده (خبرنگار حوزه موسیقی) یکی در کانال تلگرامی‌اش و دیگری در توئیترش منتشر کردند و بعد هم تک‌تک اسامی بازخواست شدند. اول نام‌ها را مرور می‌کنیم و بعد سراغ واکنش‌ها خواهیم رفت.

کیانوش عیاری، جواد نوروژیگی (تهیه‌کننده)، نرگس آبیبار، مهدی سجاده‌چی، سید عبدالجواد موسوی، خسرو نقیعی، عبدالرضا منجزی، ستار اورکی، حسن نجاریان داربانی، مه‌ران احمدی، محسن تنابنده، احمد مهرانفر، علی سرتیپی، کورش دالوند، علی اسدزاده، تینا پاکروان، حسن مصطفوی (تهیه‌کننده)، امیر توسل، محمدعلی قاضی، سعید قلی‌زاده، محمدرضا گوهری، نسیم ادبی، وحید نیکخواه آزاد، پیمان قاسمخانی، محسن چگینی

اگر قرار باشد با گوگل کردن به سرخ ماجرای «محمد امامی» برسیم، باید در کنار نامش، صندوق ذخیره فرهنگیان را هم سرچ کنیم. دقیق‌تر اگر بخواهید باید نام «هادی رضوی» را سرچ کنید، خیلی دقیق‌تر... دقیق‌تر از این اما به ما ربطی ندارد، یا حداقل به سینما ربطی ندارد.

«شهرزاد» گره خورد. مجموعه موفقی که هادی رضوی سرمایه‌گذارش بود و امامی تهیه‌کننده‌اش، شهرزاد هر دوشنبه توزیع می‌شد و کیفیت قابل‌ملاحظه‌ای هم داشت. اما قرار نیست در این اقلیم لذتی تام و تمام باشد. خبرهای جسته و گریخته آمد که «پول مشکوک» به شهرزاد نفوذ کرده و از آن جا بود که نادر فتور ه‌چی فعال چپ ضد سلبریتی در توئیتر و اینستاگرام به شدت دست به افشاگری‌های پیاپی زد. هم‌زمان برگزاری دادگاه‌های مالی رونق گرفته بود و البته مساله غامض و تاسف‌برانگیز صندوق ذخیره فرهنگیان هم در جریان بود.

فتور ه‌چی افشامی کرد، گروهی از منتقدین سینما مثل نیما حسنی‌نسب هم پیگیری ماجرا بودند. در قساز اولیه شبکه‌های اجتماعی به محلی برای بازخواست ترانه علیدوستی و شهاب حسینی و دیگری‌اش شد که ظاهر از پول مشکوک شهرزاد اطلاع داشتند و در سری دوم و سوم شهرزاد همکاری را ادامه داده بودند. تنش اوج گرفت و

پنج‌شنبه شب علی‌علیزاده، تحلیلگر سیاسی مقیم لندن، در حمله‌ای غافلگیرانه به زار شیدپور که در شبکه‌های اجتماعی بازتاب فراوانی داشت، در پاسخ به توئیتر شیدپور که از مردم خواسته بود به اندازه توانشان به سوپرمارکت مورد اعتماد، پرداخت کنند تا به نیازمندان تخفیف بدهد، نوشت: «رضا رشیدپور برای تهیه هر اپیزود «حالا خورشید» ۴۰ میلیون گرفت. نمی‌دستم‌زد شخصی‌اش بود. ماهی ۴۳۳ میلیون درآمد. دوشب‌یلدای ۹۸ هم ۵۰ میلیون. جناب رشیدپور چقدر از چندمیلیارد دستمزدی را که علی‌عسگری از جیب فقر به شما داد حاضرید به فقرایی که به خاطر کرونا در معرض گرسنگی و مرگ‌اند بر گردانید؟» زار شیدپور در پاسخ به این توئیتر نوشت: «جناب‌علیزاده گرمی‌بهرتر از من می‌دانید که اتهام‌فکنی و حمله به آبروی افراد، غیر شرعی و غیر اخلاقی و غیر انسانی است. پس حتما برای فرمایشتان درباره دستمزد من اسناد معتبر دارید. بنابراین به جای بحث بی‌فایده، منتظر می‌مانم که آن را منتشر

اگر قرار باشد با گوگل کردن به سرخ ماجرای «محمد امامی» برسیم، باید در کنار نامش، صندوق ذخیره فرهنگیان را هم سرچ کنیم. دقیق‌تر اگر بخواهید باید نام «هادی رضوی» را سرچ کنید، خیلی دقیق‌تر... دقیق‌تر از این اما به ما ربطی ندارد، یا حداقل به سینما ربطی ندارد.

«شهرزاد» گره خورد. مجموعه موفقی که هادی رضوی سرمایه‌گذارش بود و امامی تهیه‌کننده‌اش، شهرزاد هر دوشنبه توزیع می‌شد و کیفیت قابل‌ملاحظه‌ای هم داشت. اما قرار نیست در این اقلیم لذتی تام و تمام باشد. خبرهای جسته و گریخته آمد که «پول مشکوک» به شهرزاد نفوذ کرده و از آن جا بود که نادر فتور ه‌چی فعال چپ ضد سلبریتی در توئیتر و اینستاگرام به شدت دست به افشاگری‌های پیاپی زد. هم‌زمان برگزاری دادگاه‌های مالی رونق گرفته بود و البته مساله غامض و تاسف‌برانگیز صندوق ذخیره فرهنگیان هم در جریان بود.

ماجرای شوک به رشیدپور بر سر دستمزد

بفرمایید. «علیزاده در جواب این گونه نوشت: «خودتان بهتر از من می‌دانید در صدا و سیما آقای علی عسگری برای هیچ دستمزدی هیچ‌گونه سندی صادر نمی‌شود و می‌دانید هدف این سند صادر نکردن، ایجاد همین ابهام و اجازه مانور برای چهره‌رنگ‌بازی و بسفسطه‌است. از شما مستقیم می‌پرسم: برای تهیه هر اپیزود «حالا خورشید» چقدر گرفتید؟»

این بار نیز زار شیدپور بدون تکذیب‌رقم اعلام‌شده از سوی علیزاده، این گونه پاسخ داد: «عجب! پس برای اتهامی که زدید، سندی ندارید. این کار گناه نیست؟ حرمت آبروی مؤمن را که حتما می‌دانید... بگذریم. من هم صریح می‌پرسم: رقم دستمزد من برای اجرای فلان برنامه چه ارتباطی به حضرت عالی دارد؟ مسئولیت شما چیست؟ چه کسی این حق یا وظیفه را به شما داده؟» رشیدپور در یک گفتگوی زنده اینستاگرامی با خبرنگار آنلاین نیز در این مورد گفت: «این بحث توئیتری که با آن هموطن عزیزمان داشتیم، به این دلیل بود که احساس کردم چیزی به

گوشش خورده و خواسته به کنایه چیزی بنویسد که دستمزد ماهیانه رشیدپور ۴۵۰ میلیون تومان است و ۴۰ میلیون برای هر اجرامی گیرد. من نوشتم این نکات خیلی عجیب است اگر سندی دارند، بدهند. گوبلی می‌گوید دروغ را آنقدر بزرگ بگو که از بزرگی دروغ غش کند. فکر کردم این دوستان دنبال یک هیاهو است و برای همین ادامه ندادم.» تهیه‌کننده «حالا خورشید» ادامه داد: «تعداد استودیوهای صدا و سیما محدود است. ما بیرون از صدا و سیما استودیو داشتیم و اجاره آن لو کیشن که مربوط به یکی از شرکت‌های خصوصی صدا و سیما بود، ۶۰ میلیون تومان در ماه بود. از سوی دیگری مادر کلی پول اجاره فیبر نوری، تجهیزات نور، تجهیزات تصویربرداری و هزینه‌های خاص دکور داشتیم. من تیم بزرگی داشتیم از بچه‌هایی با تخصص‌های گرافیک، سربدیر و نویسند. پنج‌پانزدهم مجری گزارشگر هم در تیم ما کار می‌کردند. هزینه‌های دیگر مانند صبحانه عوامل و میهمان‌ها و گاهی هدایایی که برای مهمان‌های گرفتیم، همه اینها را هم در ماه مبلغی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان می‌شد» رشیدپور دستمزد ماهانه خود را بسیار کمتر از رقم مطرح‌شده دانست و گفت: «آن ۴۰ میلیون تومان برای هر اجرا اگر خیلی



توسعه ایرانی